

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۲۳

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

تجلی مهدویت در شعر عربی (با تکیه بر رائیات سید محسن امین و محمد جواد بلاغی)

مجدد محمدی^۱
ایمان قنبری اقدم^۲
بهناز نظری^۳

چکیده

مهدویت به عنوان یکی از مهم‌ترین اصل‌های اندیشه تشیع جایگاه ممتازی را در عرصه ادبیات متعهد به خود اختصاص داده به طوری که این تلاش‌ها، شکل‌گیری باب جدیدی با عنوان ادبیات مهدوی را به دنبال داشته است. سید محسن امین از جمله شاعران متعهدی است که اشعار فراوانی را در مدح و منقبت امام عصر علیه السلام سروده و یکی از قصاید ارزشمند او در این خصوص قصیده راثیه‌ای است که آن را در رد قصیده بغدادیه در ۳۱۱ بیت سروده و افزون بر این، محمد جواد بلاغی در راثیه زیبای خود که آن را در ۱۱۲ بیت سروده، به قصیده بغدادیه پاسخ داده است. نگارندگان در این پژوهش برآنند تا با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی این دو قصیده، مهم‌ترین مسئله این پژوهش که جایگاه مهدویت و موضوعات مشترک در راثیه‌های دو شاعر است، بپردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد این دو شاعر توانسته‌اند به شبهاتی چون مسئله تولد مهدی موعود علیه السلام، اعتقاد به برپایی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)
(behnaznazari0832@gmail.com)

نظام عدالت محور، اثبات وجود حجت، ضرورت وجود پیشوای الهی و مسائلی از این دست پاسخ دهند و از این منظر شبهات وارده در قصیده بغدادیه را پوچ و برآمده از ذهن متوهم سراینده آن دانسته‌اند.

واژگان کلیدی

مهدوئیت، شعر عربی، سید محسن امین، محمد جواد بلاغی.

مقدمه

مهدوئیت به عنوان یکی از باورهای اساسی شیعه بازتاب قابل توجهی در عرصه ادبیات متعهد داشته است؛ امری که شکل‌گیری آثار گرانمایی در میان شاعران معتقد به اهل بیت علیهم‌السلام را به دنبال داشته است. اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان از جمله مسائلی است که از دیرباز مورد توجه عموم جوامع بشری بوده است؛ به طوری که در همه ادیان بر ظهور مصلحی جهانی که پایه ریز دنیایی مملو از عدالت و خالی از جور و ستم است، تأکید شده است و هریک به گونه‌ای با عبارت‌ها و الفاظ مختلف به این منجی اشاره کرده‌اند.

«بیشتر اشعاری که در این زمینه سروده شده‌اند، غالباً حول چند محور اساسی از جمله اثبات امام مهدی علیه‌السلام فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام به عنوان دوازدهمین پیشوای مسلمین، بشارت به ظهور آن حضرت پس از غیبتی طولانی، ابراز امیدواری به آینده‌ای درخشان همراه با برقراری حکومت عدل جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام، مدح و وصف آن حضرت، ولادت و نسب وی، فلسفه غیبت، طول عمر امام، انتظار فرج و امید به آینده‌ای تابناک، علائم ظهور و موضوعاتی از این دست می‌چرخد» (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۲۷۹-۲۸۰).

در آغاز قرن چهاردهم قصیده‌ای در بیست و پنج بیت که ناظم آن هم مشخص نیست از بغداد به نجف می‌رسد. در این قصیده، سراینده برخی از مسائل مربوط به ولی عصر علیه‌السلام مخصوصاً ولادت و حیات آن حضرت را مورد تردید قرار داده است؛ این قصیده بعدها به قصیده بغدادیه معروف شد. برخی از علما و شعرای برجسته به این قصیده در قالب نظم و نثر پاسخ داده‌اند. سید محسن امین^۱ از جمله شاعرانی است که

۱. «سید محسن بن عبدالکریم بن علی بن محمد حسینی عاملی، ملقب به امین، از مشاهیر علمای امامیه و مفاخر شیعه دوازده امامی، فقیهی عابد و زاهد با ورع و تقوا است. وی در حدود سال ۱۳۸۳ ق در دهستان شقرا از دهات جبل عامل

اشعار فراوانی را در مدح و منقبت امام عصر علیه السلام سروده است یکی از قصاید ارزشمند او در این خصوص قصیده رائیه‌ای است که آن را در ردّ بر قصیده بغدادیه در ۳۱۱ بیت سروده و در آن مسائل مختلف پیرامون این قضیه پرداخته است. بلاغی^۱ از دیگر شاعرانی است که اشعار فراوانی در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام به یادگار گذاشته است و در میان اشعار وی قصاید زیبایی پیرامون امام زمان به چشم می‌خورد. یکی از قصاید زیبای وی در این خصوص، قصیده رائیه اوست که در ۱۱۲ بیت و در ردّ قصیده بغدادیه سروده شده است. نگارندگان در این جستار به دنبال آن بوده‌اند تا با بررسی این دو قصیده، به مضامین مشترک میان این دو اثر و نگاه مشترک دو شاعر به موضوع مهدویت، بپردازند.

دیده به جهان گشود. سید محسن به سبب حضور در مجامع علمی بهره‌ای و افزای علوم مختلف داشت، به طوری که صرف و نحو و منطق و علوم بلاغی و اصول خط و کتابت را از افاضل جبل عامل فرا گرفت. امین در سال ۱۳۰۹ ق به نجف عزیمت کرده و در پای درس اساتیدی همچون آخوند خراسانی، شریعت اصفهانی، حاج آقا رضا همدانی، شیخ محمد طه نجف حاضر شد و از چشمه علم این بزرگان بهره‌ها برد؛ در سال ۱۳۱۹ ق به دمشق مهاجرت کرده و در آن جا مقیم و حامل لوای شریعت و عهده‌دار حل و عقد امور مذهبی و مشغول تدریس و فتوی و مباحثه و مطالعه شد. و در آن جا دو مدرسه محسنیه و یوسفیه را تأسیس کرد» (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۱۸۳-۱۸۵). از «محسن امین به جهت کثر التألیف بودن، آثار فراوانی بر جای مانده است؛ اعیان الشیعة مهم‌ترین اثر محسن امین و دانشنامه‌ای گسترده، مشتمل بر شرح حال بزرگان و رجال شیعه است و بخش قابل توجهی از آن به زندگانی امامان شیعه می‌پردازد. سرگذشت، بررسی آراء و آثار ۱۱۷۳۳ نفر- با توسعی که در مفهوم شیعه اثنی عشری وجود دارد- در این کتاب، که با هدف شناساندن هویت فرهنگی شیعه و یادآوری نقش امامیه در اعتلای تمدن اسلامی تدوین شده است، جای گرفته است. از دیگر تألیفات گرانقدری که از وی بر جای مانده است می‌توان به «المجالس السنیه فی مناقب و مصائب العتره النبویه»، «الذکر الثمین»، «اساس الشریعة در فقه استدلالی»، «جزیلة المعانی فی أصول الدین»، «الدرر المنتقاة، لواعج الأشجان»، «رسالة فی الزد علی صاحب المنار» و... اشاره کرد. وی افزون بر علوم دینی، در ادب نیز دستی داشت و در سرودن شعر و نقد شعر نیز توانا بود. سرانجام در نیمه شب یکشنبه ۴ رجب سال ۱۳۷۱ قمری (۱۳۳۰ ش) در دمشق درگذشت و در دمشق به خاک سپرده شد» (همو: ۱۸۳-۱۸۵).

۱. محمد جواد بن حسن بلاغی نجفی ربیعی در سال ۱۲۸۲ ق در نجف زاده شد. شیخ محمد، فقیه اصولی، حکیم متکلم، عالم جامع، محدث ماهر، مجاهد عظیم الشأن، مروج علوم قرآنی و از مفاخر شیعه می‌باشد. وی از شاگردان میرزا محمد تقی شیرازی، حاج آقا رضا همدانی، آخوند خراسانی و شیخ محمد طه در نجف بود. وی تحصیلاتش را در زادگاهش آغاز نمود و در ۱۳۰۶ ق به کاظمین عزیمت نمود و پس از ۶ سال به نجف بازگشت. بلاغی در سامرا همراه با دیگر علما، در دعوت جامعه به انقلاب و شورش همکاری می‌کرد و مردم عراق را به استقلال طلبی فرامی‌خواند. او در نهضت استقلال طلب عراق (در برابر انگلیسی‌ها) در سال ۱۳۳۸ ق شرکت داشت» (طهرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۲۲). کتاب‌هایی که در موضوعات مختلف تألیف نموده هر کدام در رشته خود کم نظیر و مایه افتخار است؛ مهم‌ترین تألیفات او عبارتند از: «آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن»، «الرحلة المدرسیة»، «انوار الهدی»، «الهدی الی دین المصطفی»، «البلاغ المبین»، «ابطال فتوی الوهابیین بهدم قبور البقیع»، «حاشیة علی ینابیع الکلام لبعض المسیحیین» و... (نوری طبرسی، ۱۴۰۰: ۵۵۹-۲۶۱). وی علاوه بر منزلت و مکانت علمی و فقهی و الایش، ادیبی فرزانه و شاعری توانا بود و اشعار فراوانی از خود به یاد گذاشته است. شیخ، در شب دوشنبه ۲۲ شعبان ۱۳۵۲ ق در نجف درگذشت و در حرم امیرالمومنین علیه السلام به خاک سپرده شد.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های چندی پیرامون موضوع مهدویت و سیمای آن در شعر شاعران به انجام رسیده است؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب *سیمای امام مهدی موعود در آئینه شعر فارسی* (مجاهدی، ۱۳۸۴)، سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۲۱۰-۲۸۶) و مقاله‌ای تحت عنوان «امام زمان علیه السلام، نوشتالری آینده‌گرا در شعر سلمان هراتی (غنی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۸۴-۴۰۱) اشاره کرد. امین در کتابی با عنوان *البرهان علی وجود صاحب الزمان* به شرحی گذرا از رائیه خود می‌پردازد؛ اما پژوهش مستقلی پیرامون بررسی مهدویت در رانیات محسن امین و محمد بلاغی و مضامین مشترک آن‌ها صورت نگرفته است؛ لذا نگارندگان کوشیده‌اند ضمن معرفی این دو قصیده به تحلیل مضامین آن‌ها پرداخته و موضوعات مربوط به مهدویت را مورد بررسی قرار دهند.

پرسش‌های تحقیق

۱. مهدویت چه جایگاهی در رانیات دو شاعر داشته است؟
۲. مهم‌ترین مضامین مشترک در رائیه‌های دو شاعر کدام‌اند؟

ضرورت‌های پژوهش

یکی از اصلی‌ترین دلایل ضرورت نگارش این جستار بررسی نگاه شاعران عرب به موضوع مهدویت و اهمیت آن و نیز معرفی شیخ محسن امین و محمد جواد بلاغی به عنوان دو شاعر متعهد است. از سویی دیگر پرداختن به اشعاری از این دست گامی بزرگ جهت ترویج فرهنگ مهدویت است؛ چرا که شعرا از برترین وسایل جهت تأثیر بر دیگران است.

پردازش تحلیلی موضوع

قصیده بغدادیه و ردیه‌های دو شاعر در پاسخ به آن

قصیده‌ای در حدود صد سال پیش، در ۲۵ بیت از بغداد به نجف رسید که سراینده‌اش شناخته نشده است. شاعر در این قصیده از اختلاف‌های میان مذاهب در ولادت حضرت بقیه الله سخن گفته است؛ همچنین وی از امکان ولادت، غیبت و طول عمر آن

حضرت اظهار شگفتی کرده است. از این رو باورمندان به زنده ماندن آن حضرت پس از این زمان دراز را مسخره کرده است گروهی از عالمان بزرگ به نثر و نظم به آن پاسخ داده‌اند و از حریم حجت دفاع کرده‌اند. سید محسن امین در قصیده رائیه که آن را در ردّ بر قصیده بغدادیه سروده است به مسائل مختلف پیرامون این قضیه می‌پردازد (حسینی عربی، ۱۳۸۷: ۶۷). در این بخش تلاش شده است با بررسی دو قصیده سروده شده به مهم‌ترین موضوعات و شبهاتی که که دو شاعر به دنبال آن بوده‌اند تا در قالب شعر به آن پاسخ دهند، پرداخته شود:

تولد مهدی موعود علیه السلام

عموم شیعیان بر مسئله تولد امام عصر علیه السلام اجماع نظر دارند و در این میان کمتر کسی را می‌توان یافت که کوچک‌ترین تردیدی در این باره داشته باشد. این باور در جای جای آثار شیعه از کهن‌ترین آن‌ها تا دوره‌های کنونی انعکاس یافته است؛ «کلینی در اصول کافی تولد امام مهدی علیه السلام را نیمه شعبان ۲۵۵ دانسته است» (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۵۱۴)؛ همچنین، طباطبایی در کتاب خود با عنوان شیعه در اسلام بیان می‌دارد:

مهدی موعود علیه السلام، فرزند امام یازدهم که اسمش مطابق اسم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده در سال دویست و پنجاه و شش و یا دویست و پنجاه و پنج در سامراء متولد شدند (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

مظفر در عقاید الامامیه به هنگام معرفی عقاید شیعه، یکی از آن باورها را ولادت امام مهدی علیه السلام معرفی می‌کند و بدین سان می‌توان گفت یکی از مشخصات شیعه نزد سنیان، اعتقاد به متولد شدن امام مهدی علیه السلام است» (مظفر، ۱۳۸۵: ۲۸۹-۲۹۰)؛ بنابراین دو دیدگاه پیرامون تولد آن حضرت وجود دارد؛ عده‌ای معتقدند که امام عصر علیه السلام پا به عرصه گیتی نهاده است و در مقابل، گروهی بر این نظرند که ایشان هنوز متولد نشده‌اند. این امر نخستین شبهه‌ای است که دو شاعر به آن توجه داشته‌اند و به نوعی در پی پاسخ دادن به آن هستند؛ مهدویت چنان در روح و جان شاعر عجین شده است که شیخ امین، در ابیات آغازین رائیه خود، چهره زیبا و قامت موزون محبوبی او را به خود مشغول نساخته است؛ و کوچک‌ترین وقعی به آن نمی‌نهند؛ لیکن آن‌چه در این میان با ذات عجین شده و او را درگیر خود کرده است پاسخ به این سوال است که آیا امام موعود به دنیا آمده است یا خیر؟

وَلَكِنْ وَعَى سَمْعَى مَقَالَةَ سَائِلٍ
تَحِيرُ مِنْهُ اللَّبُّ وَأَصْطَرَبَ الْفِكْرُ
أَتَى سَائِلًا عَنْ مَوْلِدِ الْقَائِمِ الَّذِي
تَنَازَعَ فِيهِ النَّاسُ وَالتَّبَسُّ الْأُمُرُ
فَمِنْ قَائِلٍ فِي الْقَشْرِ لُبُّ وَجُودِهِ
وَمِنْ قَائِلٍ قَدْ نَضَّ عَنْ لُبِّهِ الْقَشْرُ
(امین، ۱۴۲۷: ۱۳)

دل من به آن زن زیبارویی که اوصاف او گذشت توجه و اعتنایی ندارد) اما گوش من
گفتار آن سؤال کننده ای را شنیده که فکر و ذهن به سبب آن متحیر و مضطرب شده
است. و از ولادت قائمی سوال می کند که (به عقیده او) مردم در آن نزاع دارند و امر بر
آنان مشتبه شده است؛ برخی می گویند: او هنوز متولد نشده است و بعضی
می گویند (او سال ها پیش از این) دیده به جهان گشوده است.

بلاغی برخلاف امین که در واقع به دنبال معرفی دو دیدگاه موجود در این باره است، به
صورت ضمنی بر این موضع تأکید دارد که با وجود اختلاف موجود در این زمینه، مهدی
موعود عجل الله تعالی فرجه یا همان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، نه تنها متولد شده است؛ بلکه به طور
قطع همان امام قائمی است که به آن وعده داده شده است:

وَقَدْ جَاءَ فِي الْأَثَارِ فِي كُلِّ وَاحِدٍ
أَحَادِيثُ يَعْيَى عَنْ تَوَاتُرِهَا الْحَصْرُ
تَعَرَّفْنَا ابْنَ الْعَسْكَرِيِّ وَإِنَّهُ
هُوَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ وَالْوَاتِرُ الْوَتَرُ
(خاقانی، ۱۴۰۸: ۴۴۸)

در هر یک از آثار احادیثی آمده است که به سبب تواتر آن قابل حصر و شمارش
نیست. پسر امام حسن عسکری علیه السلام را به ما می شناساند که قطعاً او همان مهدی
قائم و انتقام گیرنده خون امام حسین علیه السلام است.

بسم الله الرحمن الرحيم

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

اعتقاد به برپایی نظام عدالت محور با ظهور امام

عدالت، گمشده آدمی در طول تاریخ و رسالت همه انبیا و اولیاست. به وسعت تمام تاریخ حیات بشر، انسان همواره در انتظار دنیایی خالی از جور و ستم و سرشار از عدالت بوده است؛ و این امر از فطرت انسانی که ذاتاً به عدالت میل دارد سرچشمه می گیرد. همواره در میان عموم انسان ها اعتقاد بر این بوده است که با ظهور منجی آخر الزمان، مدینه ای فاضله شکل می گیرد که اثری از کوچک ترین ستمی در آن دیده نمی شود و همه چیز در آن جا در ترازوی عدل قرار می گیرد. در حقیقت شیرین ترین میوه انقلاب عالم گیر امام مهدی علیه السلام، عدالت است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ظهور آن حضرت و برپایی عدل در حضور آن حضرت، فرموده اند:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا؛

زمین را آکنده از قسط و عدل می سازد، همان گونه که از ظلم و جور پرگشته باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۲، ب ۲۵).

افزون بر این از امام رضا علیه السلام روایت شده است که:

خداوند زمین را به دست قائم علیه السلام از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پاکیزه سازد آن گاه که او قیام کند ترازوی عدل را در میان مردم نهد و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری ستمی کند (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۷۲).

امام صادق علیه السلام نیز درباره استقرار عدل و دادگری امام عصر علیه السلام و در زمان قیام و ظهور و حکومت شان این چنین بیان می کنند:

پس آگاه باشید! به خدا قسم که قائم علیه السلام عدالت را به درون خانه های مردم وارد می سازد. چنان که سرما و گرما وارد خانه های آن ها می شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۶۲).

این موضوع به مثابه مهم ترین موضوع، سهم قابل توجهی را در میان اشعار شاعران ملتزم به خود اختصاص داده است و کمتر شعری یافت می شود که در اشعار مهدوی خود، از آن چشم پوشی کرده باشد. شیخ امین در بیت زیر از اعتقاد دسته ای از مردم مبنی بر برپایی عدالت با حضور آن حضرت سخن می گوید:

وَمَا مِنْهُمْ إِلَّا مُقَرَّبَاتُهُ غَدًا يَمْتَلِئُ مِنْ عَدْلِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ

(امین، ۱۴۲۷: ۱۴)

گروهی از آنان نیست مگر این که اقرار کننده به این هستند که فردا بیابان و دریا از عدل او پر می شود.

وی در بخشی دیگر از راثیه خود بر ظهور قطعی امام تأکید دارد و بر این عقیده است که همان طور که زمین پراز ظلم و ستم است توسط امام موعود علیه السلام، از عدل سرشار می شود به طوری که کوچک ترین جایی از زمین از عدل خالی نمی ماند:

ظُهُورُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ قَائِمٌ

بِنَصْرِ الْهُدَى فِي كَفِّهِ الْخَيْرُ وَالْيُسْرُ

وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا امْتَلَأَتْ

مِنَ الْجُورِ لَا يَخْلُو بِهَا أَبَدًا شَبْرُ

(همو: ۲۵)

ظهور امام بدون هیچ تردیدی است، قائم به پیروزی هدایت است و در دست او خیر و راست است. آن را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از جور پرشد (به طوری که) یک وجب از آن هم (از عدل و داد او) خالی نمی شود.

علاوه بر این، بلاغی نیز در ابیاتی که در ضمن آن، به احقاق وعده الهی مبنی بر احیای دین اسلام با شمشیر وی اشاره می کند، بر شکل گیری نظام عادلانه توسط آن حضرت تأکید دارد:

وَغَابَ بِأَمْرِ اللَّهِ لِلْأَجَلِ الَّذِي

يَرَاهُ لَهُ فِي عِلْمِهِ وَلَهُ الْأُمُورُ

وَوَاعَدَهُ أَنْ يَحْيِيَ الدِّينَ بِسَيْفِهِ

وَفِيهِ لَآلِ الْمُصْطَفَى يَدْرِكُ الْوَتْرُ

وَإِنَّ جَمِيعَ الْأَرْضِ تَرْجِعُ مُلْكُهُ

وَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَيَرْتَفِعُ الْمَكْرُ

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۴۴۶)

و به امر خدا برای مدتی که او در علم خویش مقدر فرموده است، از دیده نهان شد و فرمان ظهور در اختیار اوست و به او وعده داد که دین را با شمشیر او زنده می کند و به وسیله او انتقام اهل بیت پیامبر علیهم السلام گرفته می شود و همه زمین به ملک او بر

می‌گردد و آن را از عدالت پرمی‌کند و مکر و حيله از میان برمی‌خیزد.

اثبات وجود حجت در تمام دوران‌ها

در روایات مختلفی اشاره شده که طول غیبت حضرت، باعث به وجود آمدن شک و شبهه در قلوب افراد متزلزل می‌شود تا آن‌جا که عده‌ای می‌گویند: اصلاً، امامی نیست و چنین فردی متولد نشده است؛ لذا اثبات وجود امام و بلکه اثبات اضطرار به او، نکته مهمی است که در حوزه مهدی‌پژوهی، نقش به‌سزایی دارد. قرآن مجید، این حقیقت را که هر زمانی، امامی الهی برای مردم وجود دارد، و جریان هدایت اضطرار به وجودش دارد، به بیان‌های مختلفی طرح کرده است. علامه طباطبائی^{ره} برای تبیین این موضوع نخست می‌کوشد که امام و جایگاه او را در برابر دیدگان روشن نماید وی در این راستا ابراز می‌دارد که: «امام کسی است که مردم را در روز قیامت به سوی خدا سوق می‌دهد، همان‌طور که آنان را در ظاهر و باطن این دنیا رهبری کرد» وی در بخش دیگری که از این باب گشوده است، به آیه «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِإِيمَانِهِ فَأُولَئِكَ يُفْرِغُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَذُكَّرُونَ فَتَبَيَّنَ» (اسراء: ۷۱) استناد می‌کند. به اعتقاد ایشان آیه مورد نظر این نکته را می‌رساند که هیچ زمانی، نمی‌تواند بدون امام باشد، به خاطر این که فرموده:

«كُلُّ أُنَاسٍ» همه مردم در همه زمان‌ها. نکته‌ای که استفاده می‌شود آن است که زمین مادامی که انسان در آن وجود دارد، از امام و حجت حق خالی نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۷۶).

آن‌چه از این آیه استفاده می‌شود، این است که این فراخوان، شامل همه انسان‌ها از اوّلین و آخرین می‌شود. آیه دیگری که به وضوح، بروجود امام در همه زمان‌ها دلالت دارد، آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» مکارم شیرازی ذیل تفسیر این شریفه به ذکر عقیده فخر رازی درباره امامت می‌پردازد:

کسی که جایز الخطاء است، واجب است اقتداء به کسی کند که معصوم است. معصومان کسانی‌اند که خدای متعال آنان را «صادقان» شمرده است و این معنا در هر زمانی ثابت است؛ بنابراین در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۹، ۵۱).

سومین موضوعی که هر دو شاعر به آن اشاره داشته‌اند همین موضوع است که آیا امام

زمانی وجود دارد یا خیر؟ آن چه در توجه به این موضوع قابل توجه است ذکر این نکته است که هر دو شاعر به قاعده لطف الهی اعتقاد دارند و بنابراین این اعتقاد، این تفکر که خداوند زمانی را خالی از حجت گرداند اندیشه‌ای مهمل می‌دانند و اثبات وجود امام زمان علیه السلام در همه زمان‌ها را به همین اعتقاد گره می‌زنند. در دیدگاه شیخ امین خداوند بر اساس لطفی که دارد تمام خیر و نیکی را برای تمام بندگان می‌خواهد و راه‌های هدایت و گمراهی را با فرستادن پیامبران و منذران روشن ساخته است؛ بنابراین لطف خداوندی حکم می‌کند که پس از ایشان نیز حجتی وجود داشته باشد:

وَبِاللِّطْفِ يَقْضَى الْعَقْلُ حَتْمًا فَرُّنَا
لَطِيفٌ وَفِي كُلِّ الْأُمُورِ لَهُ خُبْرٌ
يَقْضِي بَيْنَنَا مِنْ كُلِّ نَفْعٍ وَطَاعَةٍ
وَيُبْعِدُنَا عَنْ كُلِّ ذَنْبٍ بِهِ الضَّرُّ
وَمَنْ لُطْفِهِ أَمْسَى مُثِيبًا مُعَاقِبًا
وَمَنْ لُطْفِهِ أَنْ تَرْسَلَ الرُّسُلُ وَالنَّذَرُ
تَبَيَّنَ لَنَا طُرُقُ الضَّلَالَةِ وَالْهُدَى
جَمِيعًا وَمَا فِي حُكْمِهِ أَبَدًا قَسْرٌ
لَثَلَا يَرَى لِلنَّاسِ مِنْ بَعْدِ حُجَّةٍ
عَلَى اللَّهِ أَوْ يَبْدُو لَهُمْ فِي غَدٍ عُذْرٌ
(امین، ۱۴۲۷: ۲۱)

و عقل به واسطه لطف الهی حکم می‌کند که وجود امام در تمام زمان‌ها ضروری است زیرا پروردگار ما لطیف است و بر همه امور آگاهی دارد. ما را به به هر سود و طاعتی نزدیک و از هر گناهی که در آن ضرری است، دور می‌کند. و از لطف‌اش پاداش‌دهنده و عقوبت‌کننده شد. از لطفش است که پیامبران و اندازکنندگان فرستاده شوند. برای ما راه‌های ضلالت و هدایت مشخص شده است و در حکم او هیچ‌گونه اجبار و زورگویی نیست (براساس حکمیت است) تا مردم در روز قیامت پس از اتمام حجت عذر و بهانه‌ای در برابر پروردگار نداشته باشند.

محمد جواد بلاغی نیز بنابر قاعده لطف، وجود امام را برای زدودن عذر و ابهام واجب

دانسته و این چنین می‌سراید:

فَإِنْ قُلْتَ بِالْعَدْلِ الَّذِي قَالَ ذُو النُّهْيِ

بِهِ وَلَهُ يَهْدِي بِمُحْكِمِهِ الذِّكْرُ

وَأَقْرَرْتَ لِلَّهِ اللَّطِيفِ بِأَنَّهُ

حَكِيمٌ لَهُ فِي كُلِّ أَعْمَالِهِ سُرٌّ

وَأَوْجَبْتَ بِاللَّطِيفِ الْإِمَامِ

بِهِ مِنْ عَصَاةِ الْخَلْقِ يَنْقُطُ الْعِذْرُ

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۴۴۵)

اگر معتقد به عدالتی باشی که خردمندان به آن قائل اند قرآن با آیات محکم خویش به آن (ضرورت وجود امام) هدایت می‌کند و اقرار کنی که پروردگار لطیف، حکیم است و در تمام افعال او داریبی نهفته است.

ضرورت وجود پیشوای الهی

خداوند از انسان به اشرف مخلوقات عالم یاد کرده است و براساس قاعده لطفی که در بخش پیشین به آن اشاره شد امکان اینکه خداوند آدمی را به حال خود رها کند وجود ندارد. انسان برای گام نهادن در مسیر هدایت و کمال در خود احساس نیاز به امام و پیشوایی معصوم می‌کند که با وجود او امکان رسیدن به سر منزل مقصود وجود داشته باشد؛ لذا این گونه به نظر می‌رسد که در اوضاع کنونی عالم، امکان رسیدن جوامع به کمال در گرو ظهور منجی یگانه‌ای است که با قدرت الهی تمام بشریت را با ظهور خود و انقلاب جهانی خود به فلاح و رستگاری سوق می‌دهد. همان طور که گفته شد طول زمان غیبت سبب به وجود آمدن شبهاتی در میان مردم می‌شود؛ از جمله آن که آیا ضرورتی برای وجود امام موعود علیه السلام وجود دارد یا خیر؟ از جمله روایات و احادیثی که بر تداوم وجود عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حجت پس از وی تأکید دارد، حدیث ثقلین است:

...إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمَرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِشْرَتِي أَيْهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَغْتُ إِلَيْكُمْ سَرْدُونَ عَلَى الْخَوْضِ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۲۹۴)؛

... من در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم که اگر آنها را دستاویز قرار دهید، هرگز

گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیت هستند. ای مردم بشنوید! من به شما رساندم که شما در کنار حوض بر من وارد می شوید، پس من از شما درباره رفتارتن با این دو یادگار ارزشمند سؤال خواهم کرد، یعنی کتاب خدا و اهل بیت.

هر دو شاعر با استناد به حدیث متواتر ثقلین، وجود حجت را ضروری و قطعی دانسته اند. شیخ امین در ابیات زیر ضمن اشاره به مفهوم این حدیث چنین استدلال می کند وجود این حجت نه تنها قطعی است بلکه تا زمانی که روزگار برقرار است، باقی می ماند:

فَفِي الثَّقَلَيْنِ قَدْ أَتَتْنَا رَايَةً
تَحَقُّ بِهَا الدَّعْوَى وَيَنْدَفِعُ الْأَصْرُ
يَقُولُ نَبِيُّ اللَّهِ إِنِّي تَارِكٌ
لَكُمْ هَادِيًا يَبْقَى وَإِنْ فَنَى الدَّهْرُ
تَرَكْتُ كِتَابَ اللَّهِ فِيكُمْ وَعِترَتِي
هُم أَهْلُ بَيْتِي السَّادَةُ الْقَادَةُ الْغُرُ
هُمَا مَرْجِعُ لِلْخَلْقِ لَنْ يَتَفَرَّقَا
إِلَى أَنْ يَكُونَ النَّشْرُ لِلنَّاسِ وَالْحَشْرُ
(امین، ۱۴۲۷: ۲۰)

در حدیث ثقلین روایتی به ما رسیده است که این ادعا به آن ثابت شده و گره باز می شود (مشکل حل می شود) پیامبر ﷺ می گوید: من در بین شما هدایت گری به جای گذاشتم که اگر روزگار از بین برود نیز باقی می ماند. در میان شما کتاب خدا و عترتم که همان اهل بیت والامقام را جا گذاشتم. آن دو مرجعی برای خلق هستند و هرگز جدا نخواهند شد مگر زمانی که حشر و نشر مردم باشد.

بلاغی، نیز از ذکر این حدیث و استناد به آن برای تفهیم این موضوع چشم پوشی نکرده است وی معتقد است زمانی که پیامبر ﷺ از عدم انفصال کتاب خدا و اهل بیت سخن می گوید، امکان خالی بودن عصری از حجت خداوند وجود ندارد:

وَفِي خَبَرِ الثَّقَلَيْنِ هَادٍ إِلَى الَّذِي
تَنَازَعَ فِيهِ النَّاسُ وَالتَّبَسُّ الْأُمُرُ

إِذَا قَالَ خَيْرُ الرُّسُلِ لَنْ يَتَفَرَّقَا

فَكَيْفَ إِذَنْ يَخْلُو مِنَ الْعَتَرَةِ الْعَصْرُ

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۲۰)

در حدیث ثقلین (مطلب) هدایت‌کننده‌ای است برای آن چیزی که مردم در آن دچار اختلاف شدند و امر بر آنان مشتبه شد. آن‌گاه که بهترین فرستادگان خدا (پیامبر ﷺ) فرمود: (قرآن و عترت) از یکدیگر جدا نخواهند شد پس چگونه ممکن است که روزگار از عترت خالی باشد؟

امین در بخش دیگری از راییه خود ضمن بیان موارد و شواهدی، در پی رسیدن به پاسخی استدلالی در این زمینه است وی به این نکته اشاره می‌کند که خداوند برای هر دسته از موجودات رهبری قرار داده پس چگونه این امکان وجود دارد که اشرف مخلوقات از این لطف بی‌بهره بماند؟ وی همچنین عدم شناخت امام عصر علیه السلام را به منزله کفر دانسته است:

وَمَنْ كَانَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ

فَفَقِيَ حَقَّهُ بِالنَّصِّ قَدْ ثَبَتَ الْكُفْرُ

وَهَلْ تَرَكَ الرَّحْمَنُ هَذَا الْوَرَى سُدًى

بِأَحَاكِمِ عَدْلِ بِهِ يَجْبَرُ الْكَسْرُ

(امین، ۱۴۲۷: ۲۷)

هرآن‌که امام زمان خودش را نشناسد در حق او با نص قاطع، کفر ثابت شده است. آیا خداوند رحمان این مردم را بیهوده بدون حاکمی عادل که بوسیله او به نا بسامانی‌ها سامان داده می‌شود، رها کرده است؟

افزون بر این بلاغی نیز معتقد است که عدم وجود آن حضرت موجب عدم اتمام حجت خداوندی شده و عذر و بهانه در میان مردم از بین نمی‌رود:

وَلَوْلَا مَا تَمَّتْ مِنْ اللَّهِ حُجَّةٌ عَلَى خَلْقِهِ كَلَّا وَلَا انْقَطَعَ الْعُذْرُ

(همان: ۲۷)

اگر او نبود هرگز، حجتی از خدا بر خلق‌اش تمام نمی‌شد و عذر و بهانه پایان نمی‌یافت.

اثبات امکان طول عمر

مسئله طول عمر امام عصر (ع) از دیگر وجوه اختلافی است که در وادی مهدویت به وجود آمده است. بر این اساس عده‌ای معتقدند چنین امکانی وجود ندارد که عمر آن حضرت تا این اندازه به درازا بکشد. نصیرالدین طوسی در این باره می‌گوید:

طول عمر مهدی (ع) اتفاق افتاده و محقق شده است؛ چون چنین است؛ بعید شمردن طول عمر در مورد مهدی (ع) جهل محض است (حکیمی، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

و نیز می‌نگارد:

هیچ قاعده و برهان عقلی وجود ندارد که بر محال بودن طول عمر امام دلالت کند. به همین جهت نمی‌توانیم، طول عمر را انکار کنیم (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ۳۵-۵۲).

علامه طباطبائی از مسئله «طول عمر» به عنوان «خرق عادت» یاد کرده، می‌نویسد:

نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت می‌توان پذیرفت. البته خرق عادت، غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی - که ما از آنها خبر نداریم، یا آثار و اعمال آن‌ها را ندیده‌ایم یا نفهمیده‌ایم - وجود ندارد. از این روممکن است در فردی و یا افرادی از بشر، اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیاری طولانی - هزار یا چندین هزار ساله - برای ایشان تأمین نماید (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

شیخ امین در ابیات زیر در توضیح امکان اثبات طول عمر امام موعود به ذکر شخصیتی می‌پردازد که بنابر روایات طول عمر فراوانی داشته‌اند و بیان می‌دارد اگر کسی به دنبال امکان این امر است به شخصیتی از این دست بنگرد:

وَأَنْكَرْتُمْ طُولَ الْحَيَاةِ وَقُلْتُمْ

إِلَى مِثْلِ هَذَا لَا يَطُولُ بِهِ الْعُمُرُ

وَعُمُرُ نُوحٍ بَعْدَ شِيثٍ وَآدَمٍ

وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ وَإِدْرِيسَ وَالْخَضِرَ

وَعَاشَ ابْنُ عَادٍ عُمَرَ سَبْعَةِ أَنْشُرٍ

ثُمَّ انْهَكَرَ عَاماً مَا يَعْمُرُهُ النَّسْرُ

(امین، ۱۴۲۷: ۱۶-۱۷)

بسم الله الرحمن الرحيم

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

طولانی بودن عمر (آن حضرت را) انکار گردید و گفتند تا این میزان عمر طولانی نمی شود در حالی که عمر نوح پس از شیث، آدم، عیسی، الیاس، ادیس و خضر علیهم السلام از جمله عمرهای طولانی است. فرزند عاد به اندازه عمر هفت عقاب زندگی کرد (یعنی ۵۶۰ سال) زیرا هر عقاب به مدت هشتاد سال عمر می کند.

بلاغی، شک در مسئله طول عمر امام با قضیه دجال و همچنین حضرت خضر قرار منافات دارد؛ چراکه پذیرش طول عمر این دو لزوماً امکان طول عمر امام را اثبات می کند: **وَإِنْ كُنْتَ فِي رَيْبٍ لِّطُولِ بَقَائِهِ فَهَلْ رَبَّكَ الدَّجَالُ وَالصَّالِحُ الْخَضِرُ؟** (خاقانی، ۱۴۰۸: ۴۴۷)

اگر در شکی از طول بقای او هستی پس آیا دجال و خضر صالح تو را به شک انداخته است؟

عدم ظهور با شیوع ظلم

در روایات بسیاری آمده است که پیش از ظهور امام قائم علیه السلام و به ویژه نزدیک به ظهور او، حتی در جوامع اسلامی فسق و فجور و انواع گناهان و زشتی ها رواج کامل خواهد و ظلم و ستم عمومی خواهد شد؛ از جمله این که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛

خداوند به وسیله ظهور مهدی علیه السلام زمین را پراز عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۲۰).

همان طور که در دعای ندبه آمده است:

أَيُّنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُتَرْجَى لِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ؛

امام عصر علیه السلام برای نجات مردم می آید و ستم را ریشه کن و بنای ظلم ستمگران را نابود می کند (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۴).

از حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که:

علامة ظهوری كثرة الهرج والمرج والفتن ...؛

نشانه ظهور من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب هاست (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۱۷).

بنابراین در بیشتر منابع بر شیوع ظلم پیش از ظهور آن حضرت تأکید شده است. از شبهاتی که در این باره مطرح شده است این است که چرا با وجود شیوع ظلم، ظهور آن حضرت اتفاق نمی‌افتد؟ شیخ امین در ابیات زیر ضمن بیان همین موضوع این‌گونه به آن پرداخته است:

زَعَمَتْ بِمَحْضِ الْقَوْلِ قُبْحَ اخْتِفَائِهِ
وَقَدْ فَشَا فِي الْعَالَمِ الظُّلْمُ وَالْعُدْرُ
إِذَا جَازَ عِنْدَ الظُّلَمِ تَأْخِيرُ خَلْقِهِ
فَقَدْ جَازَ بَعْدَ الْخَلْقِ فِي حَقِّهِ السُّتْرُ
(امین، ۱۴۲۷: ۱۴)

به صرف گفتن، ادعا کردی که اختفای او قبیح است؛ به خاطر این که ستم و خدعه شایع و منتشر شده است. (جواب این ادعا این است) هرگاه با وجود ظلم و ستم تأخیر در خلقت آن حضرت جایز باشد؛ بعد از خلقتش هم در پس پرده غیبت قرار گرفتن در حق او جایز خواهد بود.

بلاغی در پاسخ به شبهه‌ای که گفته بود؛ چرا امام ظهور نمی‌کند با آن که ظلم و ستم عالم را فرا گرفته است، می‌گوید:

اولاً شما را چه به این حرف‌ها که برای خداوند تکلیف مشخص کنید؟ آن خدایی که هیچ چیز از او پوشیده نیست و هرگاه بخواهد، فرمان ظهور او را صادر خواهد کرد. ثانیاً هنوز ظلم و ستم عالم را فرا نگرفته است (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۲۶۷).

زَعَمَتْ بِمَحْضِ الْقَوْلِ قُبْحَ اخْتِفَائِهِ
وَقَدْ فَشَا فِي الْعَالَمِ الظُّلْمُ وَالْعُدْرُ
إِذَا جَازَ عِنْدَ الظُّلَمِ تَأْخِيرُ خَلْقِهِ
فَقَدْ جَازَ بَعْدَ الْخَلْقِ فِي حَقِّهِ السُّتْرُ
(امین، ۱۴۲۷: ۱۴)

وَقَوْلُكَ هَذَا الْوَقْتُ دَاعٍ لِمِثْلِهِ
فَفِيهِ تَوَالِي الظُّلْمِ وَانْتِشَارُ الشَّرِّ

يَعْبُوكَ فِيهِ السَّامِعُونَ فَأَنَّهُ
لَعُمْرِي قَوْلٌ عَنْ مَعَائِبٍ يَفْتَرُ
فَمَا أَنْتَ وَالِدَّاعِي فَدَعِهِ مُسْلِمًا
لَعَلَّمْ عَلِيمٌ عَنْهُ لَا يَعْزِبُ الذُّرُ
وَقَدْ جَاءَ فِي الْأَثَارِ أَنَّ ظُهُورَهُ
يَكُونُ إِذَا مَا جَاءَ بِالْعَجَبِ الدَّهْرُ
(خاقانی، ۱۴۰۷: ۴۴۸)

و این سخن تو که روزگار خواهان همچون اوست؛ زیرا ستم پی در پی شده و شر و بدی گسترش یافته است. شنوندگان بر این سخن تو عیب می گیرند و به جانم سوگند آن سخنی است که به سبب عیب هایش سست است. تو را با آنکه این ادعا را دارد چکار؟ (آن که می گوید: چرا با وجود این همه ظلم و ستم ظهور صورت نمی پذیرد زمان ظهور حضرت را به علم آن (خدای) دانایی واگذار که هیچ ذره ای (کوچک) از علم او پوشیده نیست در روایات آمده است که ظهور آن حضرت زمانی است که روزگار عجایب را بیاورد.

سرداب سامرا

سرداب مقدّس، زیرزمینی است در سامرا، کنار مزار امام هادی و امام عسکری علیه السلام. این سرداب، محلّ زندگی و عبادت امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام بوده است. خانه امام عسکری علیه السلام مانند دیگر خانه های عراق، شامل غرفه ای برای مردان، غرفه ای برای زنان و سرداب بوده که سرداب نیز شامل غرفه هایی برای مردان و زنان بوده است و در تابستان از شدّت گرما به این سرداب پناه می بردند (تونه ای، ۱۳۹۱: ۹۶). اختلافات بسیاری پیرامون آن که امام مهدی علیه السلام از چه مکانی ظهور خواهد کرد، وجود دارد؛ از جمله اعتقاداتی که صرفاً به سبب خرافات شایع در این باره به وجود آمده، اعتقاد بر ظهور امام موعود از سرداب سامرا است و این موضوع چیزی جز اندیشه ای باطل نمی باشد. این در حالی است که روایات معتبر و تواتر در این زمینه، کعبه را به عنوان مکان ظهور آن حضرت معرفی کرده اند؛ از جمله این روایت ها می توان به سخنی از امام صادق علیه السلام اشاره کرد که می فرمایند:

قائم آل محمد علیهم السلام از پشت کعبه همراه بیست و هفت تن ظهور می فرماید (فتال

نیشابوری، بی تا: ۴۳۴).

امین بر این عقیده است که غیبت امام از سرداب صرفاً پنهان شدن از دیدگان مردم بوده است و بر این نکته صحه می گذارد که امام هیچ سردابی را به عنوان محل زندگی یا محل ظهور خود برگزیده است:

فَفِي شَرْفِ السَّرْدَابِ هَذَا الَّذِي أَتَى
وَفِي نِسْبَةِ السَّرْدَابِ هَذَا هُوَ السَّرُّ
وَمَا غَابَ فِي السَّرْدَابِ قَطُّ وَإِنَّمَا
تَوَارَى عَنِ الْأَبْصَارِ إِذْ نَالَهُ الضُّرُّ
وَلَا اتَّخَذَ السَّرْدَابُ بُرْجاً وَمَنْ يَكُنْ
لَنَا نَاسِباً هَذَا فَقَوْلُهُ هَذَا

(امین، ۱۴۲۷: ۳۰-۳۱)

در شرف سرداب این است که آمد (بیان شد) و در نسبت سرداب خود سری (نهفته) است. به هیچ وجه در سرداب غیبت نکرد بلکه فقط از چشم ها متواری گشته آن گاه که آسیبی به او رسید. سرداب را به عنوان پناهگاه خود نگرفته است و هر کدام از ما نسبت دهنده این باشد، گفته اش هذیان است.

از سوی دیگر، بلاغی حضور امام را در سرداب مایه مباهات و فخر آن مکان دانسته و این نکته را که امام سرداب را به عنوان مکان زندگی و یا مکان ظهور انتخاب کرده است، رد می کند:

لَئِنْ غَابَ فِي السَّرْدَابِ يَوْمًا فَإِنَّمَا
عَلَى النَّاسِ مِنْ أُمِّ الْقُرَى يَطْلُعُ الْبَدْرُ
وَلَمْ يَتَّخِذْهُ الْبَدْرُ بُرْجاً وَإِنَّمَا
عَدَا أَفْقاً مِنْ خَطِّهِ يَضْرِبُ السُّتْرُ

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۴۴۸)

اگر روزی در سرداب غایب شد (با این وجود) ماه از سمت مکه بر مردم طلوع می کند. ماه (امام) آن را به عنوان کاخ در نظر نگرفته و فردا افقی از خط نور او پرده ها را کنار می زند.

بسم الله الرحمن الرحيم

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

پاسخ به شبهه «ترس از مرگ یا آزار رساندن به موعود»

هرچه زمان غیبت به درازا می‌کشد، شبه‌های فراوانی دل‌های لرزان را در برمی‌گیرد. خداوند به گونه‌ای مقدر فرموده است که حجت خود بر روی را از دیدگان مردم پنهان نماید و بدون تردید او را از هرگزندی در امان نگه داشته است. این موضوع از دیگر شبهاتی که در مبحث مهدویت پیش می‌آید. براین اساس، عده‌ای با دید کوتاه‌فکرانه خود، غیبت امام عصر و عدم ظهور وی را به ترس از مرگ و یا آزار و نسبت می‌دهند. این در حالی است که آنان هیچ دلیلی بر ادعای پوچ خود ندارند. امین در قصیده خود در پاسخ به این ادعای پوچ به فراخوانی چند داستان دینی از جمله قرار گرفتن حضرت موسی علیه السلام در تابوت و پنهان شدن پیامبر در غار، دست می‌زند و این‌گونه بیان می‌کند که خداوندی که از فرستادگان خود این‌گونه مواظبت کرد، حفظ جان امام نیز بر وی آسان است:

وَأَنْكَرْتُ أَنْ يَخْشِيَ الرَّدِّي بَعْدَ مَا دَرَى

يَقِيناً بِعَيْسَى أَنْ سَيَجْمَعُهُ الدَّهْرُ

فَقُلْ لِي مُوسَى كَيْفَ تُوْمَرُ أُمُّهُ

بِادْخَالِهِ التَّابُوتَ يَقْذِفُهُ الْغَمْرُ

(امین، ۱۴۲۷: ۱۶)

انکار می‌کنم که از مرگ بترسد بعد از این‌که یقین حاصل شد که او را همراه عیسی علیه السلام روزگار گرد می‌آورد. به من بگو چگونه به مادر موسی علیه السلام امر به داخل کردن او به تابوت شد که آب او را پرت می‌کند.

وَكَيْفَ اخْتَفَى فِي لَيْلَةِ الْغَارِ أَحْمَدُ

وَفِي غَيْرِهَا خَوْفُ الرَّدِّي وَلَهُ الْفَخْرُ

وَقَدْ كَانَ يَدْرِي أَنَّ سَيَظْهَرُ دِيْنُهُ

عَلَى كُلِّ دِيْنٍ لَا يَخَالِطُهُ نَكْرُ

(همو: ۱۵)

و پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه در شب غار پنهان شد در حالی که ترس از برای غیر از اوست و فخر از آن اوست. و او می‌دانست که دینش را بر هر دینی که عدم شناخت با آن

آمیخته است، آشکار خواهد ساخت.

وی در بخش دیگری از قصیده خود به صراحت ترس را از امام نفی می‌کند و آن را به دیگران نسبت می‌دهد:

وَنَزَّ عَنْ جُبْنٍ فَحَاشَا لِمِثْلِهِ مِنْ الْجُبْنِ أَمَا ضَمَّه الْعَسْكَرُ الْمَجْرُ
(همو)

منزه است از ترس، ترس برای چنین کسی قابل تصور نیست؛ آیا نه این‌که لشکری...
او را فرا گرفته بود؟

بلاغی، غیبت را فقط به امر خداوند دانسته و هرگونه ترس را از او دور می‌داند و برای توجیه این ادعا حفظ جان پیامبران منزل را در برابر آسیب قوم آنها بیان می‌کند:

وَلَمْ يَكُ مِنْ خَوْفِ الْأَذَاةِ اخْتِفَاؤُهُ
وَلَكِنْ بِأَمْرِ اللَّهِ خَيْرُ لَهُ السُّتْرُ
وَحَاشَاهُ مِنْ جُبْنٍ وَلَكِنْ هُوَ الَّذِي
عَدَا يَخْتَشِيهِ مِنْ حَوَى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
أَكُلُّ اخْتِفَاءٍ خَلَّتْ مِنْ خِيفَةٍ

فَرُبَّ اخْتِفَاءٍ فِيهِ يَسْتَنْزِلُ النَّصْرُ
(خاقانی، ۱۴۰۸: ۴۴۶)

غیبت امام از ترس آزاردهندگان نبود بلکه به امر خداوند پنهان بودن برای او خیر است. از ترس دور است (نسبت ترس به وی شایسته نیست) بلکه او فردای (ظهور) آن‌که بیابان و دریا را دربرگرفته از او می‌ترسد. آیا خیال می‌کنی هرپنهان شدنی از روی ترس است؟ چه بسا پنهان شدنی که پیروزی را نازل کند (سبب پیروزی شود).

نتیجه‌گیری

مهدویت از جمله مسائل مهم و از ارکان اصلی اعتقادات شیعه محسوب می‌شود؛ امری که از دیرباز دستخوش آسیب‌های فراوانی از سوی معاندان و معارضان اسلام و تشیع شده است؛ که آگاهی و درک بالایی را نسبت به این مسئله را می‌طلبد. مسئله تولد مهدی موعود عج، اعتقاد به برپایی نظام عدالت‌محور با ظهور امام، اثبات وجود حجت

۱۱۸

در تمام دوران‌ها، ضرورت وجود پیشوای الهی، اثبات امکان طول عمر، عدم ظهور با شیوع ظلم قضیه سرداب سامرا و پاسخ به شبهه « ترس از مرگ یا آزار رساندن به موعود » از جمله مواردی است که در شعر این دو شاعر بدان پرداخته شده است.

رائیه‌های زیبای این دو شاعر که در پاسخ به قصیده بغدادیه و شبهات وارده در آن بر موضوع مهدویت سروده شده است از اساسی‌ترین تلاش‌های این دو در این باره است. این دو شاعر در قصاید خود به خوبی نشان می‌دهند که ابهامات صورت گرفته در قصیده بغدادیه پوچ و از ذهن متوهم سراینده آن نشأت می‌گیرد. در این راستا، دو شاعریه بیان ابهامات موجود در این باره از جمله تولد آن حضرت و مسائلی همچون شکل‌گیری مدینه فاضله سرشار از عدالت، اثبات وجود امام، ضرورت وجودی وی، مسئله طول عمر امام، قضیه سرداب و مسائلی از این دست و پاسخ به آن پرداخته‌اند. آن‌چه بر زیبایی و تأثیر این دو قصیده می‌افزاید، مفاهیم برخاسته از آگاهی‌های دینی و علمی این دو شاعر است که لزوم حضور این‌گونه شاعران را در عرصه ادبیات بیش از پیش نشان می‌دهد.

منابع

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

- امین، سید محسن، البرهان علی وجود صاحب الزمان، نجف اشرف: مرکز الدراسات التخصصية فی الإمام مهدی علیه السلام، ۱۴۲۷.
- تونه ای، مجتبی، موعود نامه (القبای مهدویت)، قم: مشهور، ۱۳۹۱.
- حسینی عربی، مهدی، دوره قاجار و تألیفات درباره مهدویت، مشرق موعود، شماره ۵، ۱۳۸۷.
- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی سپهر، ۱۳۸۸.
- خاقانی، علی، شعراء الغری (الجزء الثاني)، قم: مطبعة بهمن، ۱۴۰۸.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثاني عشر، قم: دفتر صافی، ۱۳۸۰.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ق.
- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
- _____، شیعه در اسلام، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.
- طهرانی، آقا بزرگ، طبقات اعلام الشيعة، تعلیق: عبدالعزیز طباطبایی، مشهد: دارالمرتضی، ۱۴۰۴.
- عبداللهی، حسن، سیمای امام مهدی علیه السلام در آیین شعر عربی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۷.
- غنی پور ملک شاه، احمد و همکاران، امام زمان علیه السلام نوشتارهای آینده گرا در اشعار سلمان هراتی، فصل نامه ادبیات دینی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۴.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، ترجمه: محمد مهدی دامغانی، تهران: نی، بی تا.
- کلینی، ابی جعفر، اصول کافی، تهران: ولی عصر، ۱۳۷۵.

۱۲۰

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

- مجاهدی، محمدعلی، سیمای امام مهدی موعود در آیین شعر فارسی، چاپ دوم، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۴.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴.
- مدرس تبریزی، محمدعلی ریحانة الأدب، بی جا: انتشارات خیام، چهارم، ۱۳۷۴.
- مظفر، محمدرضا، عقائد الامامیه، تحقیق: عبدالکریم الکرمانی، تهران: فرصاد، ۱۳۸۵.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، نهم، ۱۳۸۶.
- نوری طبرسی، میرحسین، کشف الأستار، قم: چاپخانه خیام، سوم، ۱۴۰۰.

